

زن در تاریخ و فرهنگ ایران

تألیف:

فریده غلامرضائی



انتشارات آرون

سرشناسه	: غلامرضائی، فریده، ۱۳۲۷
عنوان و نام پدیدآور	: زن در تاریخ و فرهنگ ایران / مؤلف: فریده غلامرضائی
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	: ۴۰۰ ص
شابک	: ۲ - ۳۲۴ - ۲۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: زنان - ایران - تاریخ - پیش از اسلام
موضوع	: زنان - ایران - آداب و رسوم و زندگی اجتماعی
رده‌بندی کنگره	: HQ۱۷۳۵ / ۲ / غ ۸ ز ۹ ۱۳۹۴
رده‌بندی دیویی	: ۳۰۵ / ۴۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۲۲۹۶۳



انتشارات آرون

زن در تاریخ و فرهنگ ایران

مؤلف: فریده غلامرضائی

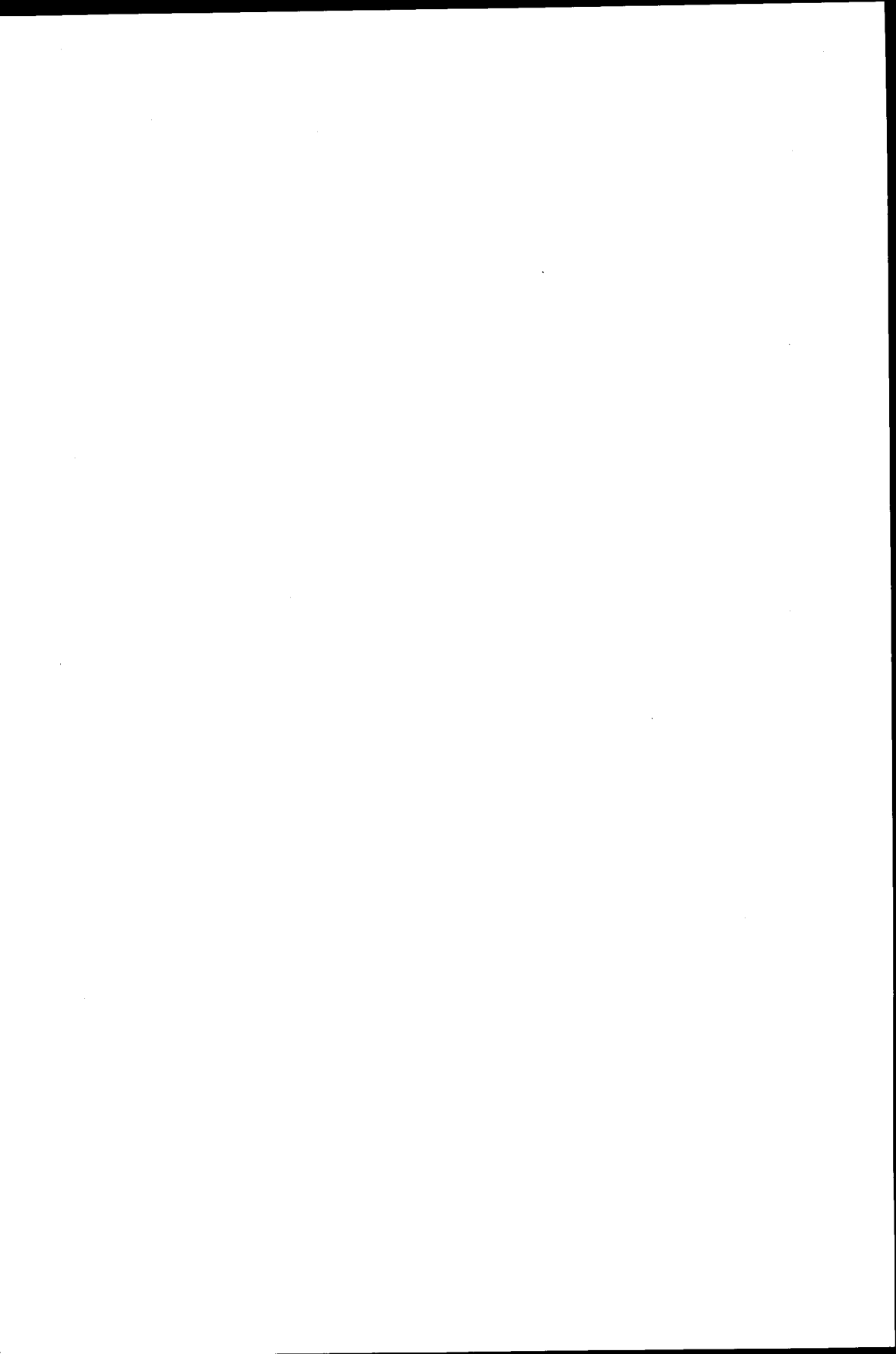
ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۲۰۰ نسخه

۳۴۰۰۰ تومان

تقدیم به زنان آزاده ایران



به نام خداوند جان و خرد

فهرست

پیش‌گفتار ۱۳

بخش اول ۱۹

فصل اول: زن در دوران ماقبل تاریخ ایران ۱۹

نهاد خانواده ۲۳

دوران مادرشاهی یا زن‌سالاری ۲۴

نقش زن در تمدن‌های اولیه بشر ۲۸

زن در باورها و اعتقادات مذهبی دوره باستان ۳۵

زن در اساطیر ایرانی ۴۲

فصل دوم: شاهنشاهی ایلام در سپیده دم تاریخ ۴۵

جایگاه زن در شاهنشاهی ایلام باستان ۴۷

ازدواج با محارم در ایلام کهن ۵۵

- بقایای آثار مدارسلاری ۵۶
- زن در دیانت زرتشت ۵۸
- زن در گاهان ۶۰
- جشن زنان در آیین زرتشت ۶۲
- آناهیتا، ایزد بانوی آبها ۶۳

بخش دوم ۶۹

- فصل اول: مهاجرت آریایی‌ها به ایران و تشکیل نخستین حکومت آریایی** ۶۹
- نظام پدرشاهی « مردسالاری » در فلات ایران ۷۲
- پادشاهی مادها و استقرار نظام مردسالاری ۷۵
- پادشاهی ماد ۷۶

فصل دوم: جایگاه و موقعیت زنان در دوره مادها ۸۳

- ازدواج در میان مادها ۸۴
- ازدواج با محارم در بین مادها ۸۶
- پوشاک و تزئینات زنان در دوره مادها ۸۷
- مقام آناهیتا در زمان مادها ۹۱
- آستیگ آخرین پادشاه ماد ۹۳
- ماندانا دختر آستیگ و کودکی کوروش کبیر ۹۵

بخش سوم ۹۹

فصل اول: طلوع هخامنشیان ۹۹

- زنان در دوران نخستین پادشاه هخامنشی ۱۰۱
- تأثیر تعلیم و تربیت ماندانا بر کوروش کبیر ۱۰۴
- ماجرای برادرکشی کمبوجیه ۱۰۷
- ازدواج با محارم ۱۰۸
- کمبوجیه و جنایات او به روایت تاریخ ۱۱۰

- ۱۱۲ فیدیمه و توطئه در دربار شاه
- ۱۱۴ چند همسری در عصر هخامنشی
- ۱۱۵ ازدواج‌های داریوش بزرگ، سیاست و فرهنگ در تقابل با هم
- ۱۱۹ وارثان تاج و تخت داریوش
- ۱۲۰ نقش آتوسا در ولیعهدی خشایارشا
- ۱۲۲ ملکه وشتنی هم تاج باخت و هم سر
- ۱۲۷ دلاور زنان نامور هخامنشی
- ۱۳۱ روحیه سلحشوری زنان در لشگرکشی‌ها
- ۱۳۵ استقلال اقتصادی زنان در عصر هخامنشی
- ۱۴۰ زنان و ازدواج‌های سیاسی
- ۱۴۲ مقتدرترین زنان در دربار هخامنشی
- ۱۴۵ آمستریس ملکه مقتدر و بی‌رحم دربار هخامنشی
- ۱۴۷ پروشات، وحشت در لفافه اقتدار
- ۱۵۰ پروشات و تاج و تخت هخامنشی
- ۱۵۵ مرگ آرام و بی‌صدای استاتیرا
- ۱۵۸ زنان عقدی و صیغه‌ای در دربار هخامنشی
- ۱۶۰ تساوی حقوق و دستمزد زنان و مردان
- ۱۶۲ موقعیت اجتماعی زنان در زمان هخامنشیان
- ۱۶۴ قوانین حقوقی زنان عصر هخامنشی
- ۱۶۶ جایگاه آناهیتا در باور هخامنشیان
- ۱۶۸ تصویر زن در هنر هخامنشی
- ۱۶۹ پوشاک زنان در دوره هخامنشی
- ۱۷۷ هخامنشیان در سرایشی سقوط
- ۱۷۸ داریوش سوم و سرنوشت غم‌انگیز او
- ۱۸۱ **فصل دوم: تهاجم اسکندر مقدونی به ایران**
- ۱۸۴ اسارت زنان و خانواده‌ی داریوش سوم در دست اسکندر مقدونی

- دختر داریوش سوم وجه‌المصالحه اسکندر مقدونی قرار نگرفت! ۱۸۶
- شجاعت یوتاب شیر زن لر در مقابل سپاه اسکندر مقدونی ۱۸۸
- نخستین ازدواج اسکندر مقدونی در ایران زمین ۱۹۰
- اسکندر مقدونی و ازدواج‌های سیاسی ۱۹۱
- ازدواج سربازان یونانی، مقدونی با ده هزار دختر ایرانی ۱۹۲
- اهداف و انگیزه اسکندر از ازدواج‌های گروهی ۱۹۴
- مرگ سی‌سی‌گامبیس (Sissigambis) مادر داریوش سوم ۱۹۵
- سرنوشت زنان اسکندر پس از مرگ او ۱۹۸

بخش چهارم ۲۰۱

- فصل اول: جانشینان اسکندر** ۲۰۱
- سلطه سلوکیان بر ایران ۲۰۲
- آپامه Apame ملکه ایرانی دربار سلوکیان ۲۰۳

- فصل دوم: نقش زنان دربار در عزل و نصب پادشاهان سلوکی** ۲۰۵
- ازدواج در دوره‌ی سلوکیان ۲۰۸
- تفاوت زنان هخامنشی و زنان سلوکیان ۲۱۰
- تأثیر هلنیسم در وضعیت اجتماعی زنان در دوران سلوکیان ۲۱۱
- پوشاک زنان در دوران سلوکیان ۲۱۴

بخش پنجم ۲۱۷

- فصل اول: اشکانیان** ۲۱۷
- طبقات اجتماعی در دوره اشکانیان ۲۱۸
- فصل دوم: زنان دربار اشکانیان** ۲۲۱
- جایگاه اجتماعی زنان در دوره اشکانیان ۲۲۲
- حقوق زن در دوره‌ی اشکانیان ۲۲۵

۲۲۶ حقوق خانواده
۲۲۸ موزا Musa کنیزکی رومی که شهبانوی ایران شد!!
۲۳۱ ازدواج با محارم در زمان اشکانیان
۲۳۳ زنان اشکانی در جنگ و لشکرکشی‌ها
۲۳۵ زن و سیاست
۲۳۶ خواستگاری امپراتور روم از دختر اردوان پنجم اشکانی
۲۳۸ لشکرکشی کاراکالوس به ایران به عنوان خواستگاری
۲۴۰ جایگاه آناهیتا در باور اشکانیان
۲۴۳ پوشاک زنان ایران در دوره اشکانیان

بخش ششم ۲۴۹

۲۴۹ فصل اول: ساسانیان
۲۵۰ آغاز کار و قدرت
۲۵۲ خاندان‌های معروف عصر ساسانی
۲۵۳ افسانه ازدواج اردشیر بابکان
۲۵۷ پادشاهی شاپور اول (شاه پُوهر) و ظهور مانی
۲۵۸ سیاست مذهبی شاپور اول
۲۶۰ مانی وایدئولوژی مذهب مانوی
۲۶۱ زن از دیدگاه مانویت
۲۶۳ آناهید آذر همسر شاپور اول
۲۶۳ ماجرای شاپور اول و نصیره دختر ضیزن
۲۶۵ شاپور اول و دختر مهرک
۲۶۶ تاج شاهی بر فراز خوابگاه زن هرمز دوم
۲۶۷ نیابت سلطنت دینک و شاهنشاهی
۲۶۷ اسارت پیروزدخت (پیروچ دخت)
۲۶۸ پادشاهی قباد و جنبش مزدک
۲۷۰ ریشه اجتماعی نهضت مزدک

- ۲۷۲ تحلیلی بر عقاید مزدک در مورد زنان
- ۲۷۴ پادشاهی بحرانی قباد
- ۲۷۷ ربودن زنان در آشوب
- ۲۷۹ وضعیت زنان بعد از سرکوب مزدکیان
- ۲۸۲ نیوندخت مادر انوشیروان عادل
- ۲۸۴ انوشیروان عادل (۵۳۱ - ۵۷۹ میلادی)
- ۲۸۶ جانشینان انوشیروان و ماجرای بهرام چوبینه «چوبین» و خواهرش گردیه
- ۲۸۸ حرکت بهرام چوبین به همراه خواهرش گردیه برای رویارویی با پادشاه ترکان
- ۲۸۹ وساطت « گردیه » زنی سیاستمدار در تاریخ ایران
- ۲۹۲ لشکرکشی بهرام چوبین همراه گردیه بر علیه خسرو پرویز
- ۲۹۳ ازدواج خسرو پرویز با « ماریه » مریم دختر موریس قیصر روم
- ۲۹۴ تلاش خسرو پرویز برای تاج و تخت
- ۲۹۶ توطئه قتل بهرام چوبین
- ۲۹۸ گردیه فرمانده سپاه بعد از مرگ بهرام چوبین
- ۳۰۰ ازدواج « گردیه » با بستام « گستهتم » دایی خسرو پرویز
- ۳۰۳ ازدواج خسرو پرویز با « گردیه » و مرگ گستهتم
- ۳۰۵ خصایل خسرو پرویز
- ۳۰۷ شیرین همسر محبوب خسرو پرویز
- ۳۱۲ ستم خسرو پرویز به « حدیقه » دختر نعمان
- ۳۱۴ نخستین زن ایرانی که مسلمان شد
- ۳۱۷ علل فروپاشی و مرگ خسرو پرویز
- ۳۱۹ کشتار و قتل بر سر جانشینی
- ۳۲۰ مرگ شیرین در آغوش بی جان خسرو
- ۳۲۳ بوراندخت « پوراندخت » اولین پادشاه زن ایرانی
- ۳۲۸ آرمیدخت (آرمیدخت به معنی دختر پیرنشدنی است)
- ۳۳۷ فصل دوم: جایگاه اجتماعی زنان در جامعه ساسانی
- ۳۴۰ حقوق شخصی در این دوره

۳۴۱ زن در حقوق ساسانی
۳۴۲ ازدواج با محارم
۳۴۴ تعدد زوجات
۳۴۵ مقام پادشازن
۳۴۵ شخصیت خانوادگی پادشازن
۳۴۶ اوگزن در عصر ساسانی
۳۴۶ حقوق و مقام چکرزن « چاکرزن »
۳۴۷ انواع ازدواج در دوره ساسانی
۳۴۸ الف- « ازدواج پادشازن Padsha zan »
۳۴۸ ب- ازدواج چاکرزن « چکرزن Tchakar zan »
۳۴۹ پ- ازدواج ایوکزن « اوگزن Evok zan »
۳۴۹ ت- ازدواج ابدال (ازدواج سترزن « ستر Star zan »)
۳۵۰ ث- ازدواج خودسرزن « Khodsar zan »
۳۵۰ ازدواج استقراضی
۳۵۲ فرزندخواندگی « سدربه Sadarih »
۳۵۳ شرایط قانونی « پسرخواندگی »
۳۵۴ تَبَنی
۳۵۴ فرزندخوانده « دخترخوانده »
۳۵۵ جهیزیه زنان در عصر ساسانی
۳۵۶ مهریه زنان و میزان آن
۳۵۶ طلاق در شاهنشاهی ساسانی
۳۵۸ علل طلاق
۳۵۹ قوانین حقوقی طلاق زنان
۳۵۹ « دشتان Dastan » در فرهنگ ایران باستان
۳۶۴ قوانین حقوقی مربوط به ارث زنان
۳۶۵ قوانین حقوقی مربوط به مالکیت زنان
۳۶۷ زنان و تعلیم و تربیت در عصر ساسانی
۳۶۸ عید زنان در عصر ساسانیان

- ۳۷۰ زنان درباری ساسانیان
- ۳۷۱ ازدواج سیاسی - مصلحتی
- ۳۷۲ زنان ساسانی در جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها
- ۳۷۳ جایگاه آناهیتا در باور ساسانیان
- ۳۷۶ تصاویر و نقوش زن در هنر ساسانی
- ۳۷۹ پوشاک زنان ساسانی
- ۳۸۰ یزدگرد سوم پادشاهی سرگردان
- ۳۸۲ سقوط ساسانیان و به اسارت بردن دختران یزدگرد سوم
- ۳۸۵ فهرست منابع و ماخذ کتاب

پیش‌گفتار

وقتی از جایگاه زن در ادوار تاریخ ایران سخن می‌گوئیم، دانشی را به چالش می‌کشیم که آشکارا اهداف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، روانشناختی و حتی زبان‌شناسی را در پی دارد. نقش و مقام و منزلت زن در تاریخ چندان مورد علاقه برای بررسی موشکافانه نبوده است. در سرزمینی که بیشتر نوشته‌های تاریخی‌اش شرح زندگی پادشاهان مرد است و معیار این نوشته‌ها مردانه و بر اساس علایق و دیدگاه‌های مردان بوده، نقش تاریخی زنان پنهان و خاموش مانده و به جایگاه زنان در قلمرو تاریخی و تأثیرگذاری آنان در عرصه‌های خصوصی و عمومی آن گونه که باید، توجهی نشده است.

از این رو، زمانی که تاریخ مکتوب پدید آمد، محرران و تاریخ‌نویسان سهم زنان را ناگفته گذاشته و آنان را از تاریخ بشریت حذف کرده و گذشتند! در نتیجه امروز باید با زحمت بسیار لابه‌لای کتاب‌های تاریخی و متون ادبی کهن را کاوید تا شاید با حدس و گمان دریافت که در گذشته‌های دور و هزاره‌های پیشین بر زن ایرانی، موجودی که قرن‌های متمادی در سایه زیسته و بالیده و وجودش تقریباً نادیده گرفته شده چه گذشته است؟ این در حالی است که در حیات اجتماعی و حضور گسترده مردم در فلات پهناور ایران، زنان نیز جایگاه ویژه خود را داشته و نقشی به-سزا در مشخصات و ممیزاتی چون زبان، فرهنگ و تمدن و دین و گسترش این مفاهیم در ماورای فلات ایران ایفا نموده‌اند.

تمدن امروزی بر پایه فرهنگ‌ها، آداب و رسوم، مذاهب و علوم و تمدن‌های گذشته شکل گرفته و بنا شده است. با مطالعه آثار به جا مانده از اقوام کهن، می‌توانیم تحلیل دقیق‌تری از تمدن و فرهنگ خود داشته باشیم. این آثار ارزشمند ما را از اهمیت نقش زنان در جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی آگاه می‌کنند، زیرا جایگاه زن، در قالب نیمه‌ای از پیکر انسانی که زاینده نیمه دیگر است، فراتر از قوم و ملت و نژاد و تبار قرار دارد.

مادر بودن بنیادی‌ترین ویژگی زن است. این مادر نقش مهمی در برپایی تمدن بشری داشته و باید بداند، در پهنه زمین، نخستین خانه را او ساخته، نخستین بذر را او افشانده و نخستین ظرف را او شکل داده و در گستره تاریخ نیز، نخستین انقلاب نوسنگی در کشاورزی توسط او به وقوع پیوسته است. همین امر منجر به عدم تعادل وظایف میان زن و مرد شد و به نوعی، برتری اجتماعی زنان بر مردان را در جوامع اولیه فلات ایران پدید آورد. در این دوره، زنان در امور زندگی چنان سیطره یافتند که صورتی ایزد گونه یافته و نماد پرستش شدند؛ از این رو زن مادر و سرور طبیعت شناخته شد؛ کیش پرستش «زن ایزدان» و مظاهر «ایزدبانویی» و «الهه مادر» قداست یافت؛ او مظهر باروری و حاصلخیزی و برکت شمرده شد و زن جلوه‌ای آسمانی گرفت. نگاره‌ها و پیکرک‌ها و تندیس‌هایی از نماد زایش و قدرت او ساخته شد. در این دوران زنان علاوه بر کشاورزی و پرداختن به اموری چون دامپروری، به کوزه‌گری، نخ‌ریسی، بافندگی، خمیرگیری، پختن نان و نواختن ساز می‌پرداختند که همگی تأکیدی بر نقش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان است که با تصاویر حک شده بر مهرها و ظروف به جا مانده از آن دوران، قابل اثبات است. به گفته‌ی «ویل دورانت»^۱ زن پایه‌گذار صنایع مهم و اغلب ترقیات اقتصادی از جمله نساجی، خیاطی، کوزه‌گری، سبذبافی، درودگری و خانه‌سازی و تجارت و هزاران هنر خانگی دیگر است» و به سبب کسب این برتری‌هاست که دوره‌ای به نام «زن‌سالاری» یا "مادرشاهی" آغاز می‌شود.

۱- ویل دورانت، تاریخ تمدن (مشرق زمین گهواره تمدن)، ۱۳۶۵، ص ۴۳ و ۴۲ به اختصار

روزگار مادرسالاری نمایانگر برتری زن در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی است. چرا که زن عامل خویشاوندی و پرورش فرزند و ناظر بر ارث و میراث بود و نقش اساسی را در جوامع کشاورزی بر عهده داشت. از آنجایی که زنان اداره‌کنندگان امور خانه و سازمان‌دهندگان امر تولید بودند، در اذهان انسان باستانی تجلی‌گاه نیروهای زمینی و آسمانی شدند و یکی از عمیق‌ترین و ریشه‌دارترین اعتقادات بشر، که همانا پرستش الهه مادران و بانو خدایان بود، شکل گرفت. تعداد زیادی از تصاویر حیوانات که با برخی پیکرها همراه است نشان می‌دهد بانو خدای اولیه نه فقط مادر تمام انسان‌ها بلکه به عنوان مادر تمام موجودات زنده پذیرفته شده است. وجود این تصورات و اعتقادات درباره زن و مادر و میراث فرهنگ کهن دوره پارینه‌سنگی بود که سبب شد زن را «مادر انسان» و «مادر زمین» و «مادر کبیر» بدانند و به سالاری زن گردن نهند. در چنین جوامعی زن کارهای قبیله را اداره می‌کرد، به مقام روحانیت می‌رسید و در عین حال، زنجیره اتصال خانواده بود، چه زن، ناقل خون قبیله به خالص‌ترین شکل خود به‌شمار می‌رفت. این طرز اولویت زن، یکی از امور مختص ساکنان اصلی فلات ایران بود.

تا قبل از پیدایش جوامع پدرسالار، عنصر برتر و سازنده تمدن و فرهنگ اجتماعی بشر زن است. در این دوران، است که زن نه فقط در زمین بلکه در آسمان نیز قدرت برتر شناخته می‌شود. وجود پیکر الهه بانوان در بلندای عبادت‌گاه‌ها، نشانه‌ای از حمایت شهرها و روستاها از جانب ایشان بوده‌است. زن در اندیشه ساکنان قدیم ایران باستان و جوامع هم‌فرهنگ با آن، نه تنها برابر با مرد که گاهی برتر از او است.

اما این برتری پایدار نماند، چرا که در روند حوادث گوناگون، زن جایگاه خود را از دست می‌دهد. به‌ویژه با ورود آریایی‌ها به این سرزمین که سازمان اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی آنها بر پایه‌ی نظام پدرسالاری و مردمحوری بود و مواجه شدن ایشان با فرهنگی زن سرور که خاص بومیان منطقه بود کم‌کم ارزش‌های جامعه حاکم باعث رنگ باختن قداست زن و محو نقش الهه‌ها و مقام و پایگاه زن در اجتماع کهن شد و از شکل پرمحتوای اسطوره به داستانی افسانه‌ای بدل گردید. در این مسیر

بسیاری از ارزش‌های مدرسالارانه دگرگون و از عزت وجودی زن که مرکز و محور اسطوره بود کاسته می‌شود.

پس از آن، نظام عظیم پدرسالاری با تغییرات سیاسی، اقتصادی، فنی و ایدئولوژیکی زندگی جوامع را برهم زد و انحصار قدرت خدایان مؤنث دوره نوسنگی را نابود کرد. با آغاز نظام پدر سالاری، زنان اندک اندک، همچون اموال، خریده و فروخته می‌شوند و قدرت و نفوذ آنان تنزل می‌یابد. مردان صاحب و سالار زنان می‌شوند و با قبضه کردن قدرت در خانواده و شهرها و حکمرانی بر آنها، برای تحکیم قدرت خویش ارزش‌ها و تصوراتی را بنا می‌نهند که عدم برابری و تعادل میان دو جنس را صحه گذاشت. بر اساس این نظام فکری بود که آنان خود را حاکم جهان و همسر خود پنداشتند. با استحکام پدر سالاری و به موازات تکامل ابزار تولید و گسترش برده‌داری، زن ایرانی پایگاه برابر خود را با مرد کم‌کم از دست داد و پسرزادان مقبول‌تر و دلپسندتر از دخترزادان شد. نقش او در جامعه، رفته رفته کوچک‌تر گردید و زنان به حکم اجبار عملی و طبیعی، تسلیم زورمندی و زورگویی شدند و با درماندگی از ادعای تساوی چشم پوشیدند. به این ترتیب سیمای اجتماعی فلات ایران به سرعت تغییر یافت و صلح و سکون جوامع مدرسالار، به تکاپوی دائمی و جنگ‌های پایان‌ناپذیر تبدیل شد. دوران «مادر سالاری» در ایران به پایان خود رسید و حرکت رو به کمال این مردم کشاورز پیشه، در زیر پای اسبان جنگی آریائیان کوچ‌گر و شبان از میان رفت و با تداخل دو فرهنگ کشاورزی و شبانی، فرهنگی نو با ویژگی‌های خاص خود را پدید آورد. گسترش سیطره مرد بر زن را می‌توان از شگفت‌انگیزترین انقلاب‌های اجتماعی جهان به‌شمار آورد که مرد روز به روز سیطره‌ی خود را بر زن بیشتر کرد.

در هر حال این تحقیق و تکاپو برای یافتن هویت و سرشت نوع بشر اولیه و نقش و وضع زن از ابتدای حضورش در جهان هستی است. اما جستجو در گذشته‌های دور و اوراق پاره شده، گم‌شده، و گاه نوشته نشده تاریخ و استناد به یافته‌های انسان‌شناسی و باستان‌شناسی در پی هویت راستین زن و اثبات قدرت زنانه در گذشته‌ها، به خودی خود راهگشای مشکلات امروز زنان نیست. این

واپس‌نگری، برای یافتن راهی به سوی آینده است. این نوشتار، پژوهشی است در باره جنبه‌های مختلف برخورد با زنان در ادوار تاریخی و پیش از تاریخ که از لابه‌لای متون و منابع اصیل تاریخی و ادبی استخراج شده و تا حد ممکن با نگاهی به دورترین چشم‌انداز تاریخ ناگفته‌ها و نادیده‌ها را تحلیل و بیان می‌کند. در این کتاب سعی شده با الگویی منسجم و هدفمند نقش زن ایرانی در گستره تاریخی مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد، هر چند که می‌دانم دستیابی به یک الگوی انسجام یافته دقیق بسی دشوار است.

در عین حال هدف این پژوهش تعارض و تقابل با مردان نیست، زیرا زن و مرد مکمل یکدیگرند و لازمه زندگی هدفمند و مترقی در جهان امروز، مساوات و عدالت اجتماعی است. زندگی که زیر بنای آن شایسته سالاری است نه زن‌سالاری و نه مردسالاری! اگر امروز دیگر مدارسالاری قابل بازگشت نیست، «سالاری انسان» بر سرنوشت و سرگذشت خود می‌تواند پایان ناکامی‌ها و نامرادی‌ها باشد اگر زن ایرانی امروز، بازمانده انسان گذشته‌های دور است پس بازگویی احوالش راه گشای شناخت از روحيات، خلق و خو و اعتقادات و پندارهای او در گذر زمان است، که این خود می‌تواند به شناخت بیشتری از هویت راستین او بینجامد. این پژوهش جلد نخست از یک مجموعه سه جلدی است که اگر عمری باقی باشد دو جلد دیگر را که ادامه وضعیت، معضلات و مشکلات زنان در طول تاریخ تا پایان حکومت پهلوی می‌باشد تقدیم خواهم نمود.

کتاب پیش رو به شش بخش و هر بخش به دو فصل تقسیم شده است. در فصل اول هر بخش جنبه‌های تاریخی هر سلسله و جای پای زن در تاریخ مورد تحقیق و پژوهش واقع گردیده و فصل دوم بازگو کننده چالش‌ها و تنش‌هایی است که در گذر روزگار گریبانگیر زنان زیادی بوده و به موضوع‌هایی چون اعتقادات و باورها، ازدواج با محارم و تعدد زوجات و بالاخره جنگ و لشگرکشی‌ها و چگونگی به اسارت بردن زنان و قوانین حاکم بر هر سلسله پرداخته شده. امیدوارم نوشته‌های این کتاب خوشایند تفکر و اندیشه و نظرات شما خواننده ارجمند قرار گیرد و دستمایه‌ای برای تداوم راه پژوهشگران این حوزه واقع گردد. تردیدی نیست که این کتاب تحقیقی،

پژوهشی بدون عیب و نقص و ایراد نخواهد بود بدو از خوانندگان بزرگوار ضمن پوزش استدعا دارم با دیدی اغماض به آن بنگرید و با پیشنهادات و انتقادات فاضلانه و سازنده خود یاریم دهند تا در چاپ‌های بعدی و همچنین آثار دیگری که در همین زمینه در دست تهیه دارم مورد استفاده قرار دهم.

برخود واجب می‌دانم از استاد فرهیخته و نستوه جناب آقای دکتر فریبرز خسروی معاونت پژوهش، برنامه‌ریزی و فن‌آوری سازمان اسناد و کتابخانه ملی که با ارشاد و راهنمایی فاضلانه خود از لغزش‌ها و خطاهای این کتاب کاست کمال امتنان و سپاس را داشته باشم و همچنین از استاد بزرگوار، محقق و پژوهشگر فرهیخته جناب آقای غلامرضا عزیزی رئیس پژوهشکده اسناد ملی و عضو هیئت علمی کتابخانه ملی که از رهنمودهای ایشان برخوردار بوده‌ام نهایت سپاسگزاری را داشته باشم در ضمن از ارشاد و راهنمایی‌های سرکار خانم دکتر سودابه نوذری عضو هیئت علمی کتابخانه ملی و همچنین سرکار خانم حوریه سعیدی معاونت پژوهشکده اسناد ملی و عضو هیئت علمی کتابخانه ملی که نهایت همکاری را با من داشته‌اند، سپاسگزارم و برای ایشان آرزوی موفقیت و بهروزی را دارم و سخن آخر از برادر ارجمند جناب آقای علی فراهانی که صادقانه کتابخانه غنی و شخصی خود را برای پربار کردن نوشته‌هایم در اختیارم گذاشته قدردان و سپاسگزارم.

فریده غلامرضائی

تابستان ۱۳۹۴

بخش اول

فصل اول

زن در دوران ماقبل تاریخ ایران

فلات ایران مثلثی است که بین دو فرورفتگی واقع شده است. خلیج فارس در جنوب و دریای خزر در شمال. این سرزمین به منزله پلی بین آسیای مرکزی و آسیای غربی است که تشکیل برآمدگی‌ای را می‌دهد که جلگه‌های آسیای داخلی را به نجدهای آسیای صغیر و اروپا متصل می‌کند. این موقعیت جغرافیایی وظیفه تاریخی‌ای را که فلات مذکور در طی هزاران سال در تاریخ بشریت ایفا کرده است نشان می‌دهد.^۱

نشانه‌های زیست انسان در مراحل نخستین دوره پالئولیت * Paleolithic در ایران کشف نشده است. ابزاری از نوع دوره شل * Chellean و اشول Acheulian در ماوراء

۱- گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ۱۳۸۸، ص ۱

* پالئولیتیک: اصطلاحی باستان شناسی است و مربوط به دوران‌های نخستین تمدن انسان‌های ماقبل تاریخ می‌باشد.

* شل - اشل: مربوط به دوران «پالئولیتیک» است، اما زمانش نزدیک‌تر و در نتیجه تمدن انسان‌های آن دوران پیشرفته‌تر است.

قفقاز و کشورهای آسیای باختری به دست آمده و نزدیک مرزهای ایران در کردستان عراق نشانه‌هایی از سکونت انسان در دوره اشول دیده شده است (تقریباً ۴۰۰-۲۰۰ هزار سال پیش). اما در دوران پیش از اشول هم بیگمان انسان در ایران ساکن بوده است، چون در خاور این سرزمین یعنی ترکمنستان نیز ابزار ابتدایی ساخت دست انسان که ویژه زندگی انسان‌های آسیای باختری بوده به طور تصادفی پیدا شده‌اند. به موجب آثاری که در خود ایران به دست آمده، این سرزمین در زمان موستر* Mousterian (پالئولیتیک میانه) کاملاً به وسیله انسان مسکون بوده است. آثار مربوط به این زمان در قسمت باختری ارومیه، خاور کویر نمک، فارس و مناطق دیگر از جمله لرستان و کردستان به مقدار زیاد کشف شده‌اند. همه این آثار در غارها و سرپناه‌های صخره‌ای به دست آمده‌اند. منزل گاه‌های گروهی دوران پالئولیتیک در ایران تا کنون کمتر دیده شده‌اند.

آغاز فرهنگ دوران موستر در ایران به صد هزار سال قبل می‌رسد، به موجب نتایجی که از طریق آزمایش رادیو کربن* به دست آمده بین ۵۵ الی ۳۰ هزار سال پیش و بنا به نظریه چند تن از دانشمندان آثاری در ایران به دست آمده که زمان کهنگی آنها از صد هزار سال بیشتر بوده است. اما بر پایه آزمایش‌هایی که از اشیاء دوران پالئولیتیک میانه یعنی زمان موستر در ایران به عمل آمده و بنابر تاریخ‌گذاری‌هایی که از راه آزمایش رادیو کربن در غار کونجی [کنجی] در دره خرم‌آباد لرستان و شانیداز در حاشیه شمال شرقی عراق شده، قدمت این آثار از ۴۰ تا ۵۰ هزار سال بیشتر نبوده است.

* موستر: این زمان هم جزو دوران «پالئولیتیک» به‌شمار می‌رود اما زمانش از شل و اشول به زمان ما نزدیک‌تر است.

* رادیو کربن: روشی است که به وسیله آن مدت کهنگی اشیاء را با وسایل فنی تعیین می‌کنند این روش در حوزه باستان‌شناسی کاربرد فراوانی دارد.

زمان موستر با پایان آخرین مرحله دوره یخبندان در ایران و آغاز این دوره در اروپا مقارن بوده است.^۱

گیرشمن اشاره می‌کند: «تحقیقات زمین شناسی نشان داده است در زمانی که قسمت اعظم اروپا از توده‌های یخ پوشیده بود، نجد ایران از دوره باران، که طی آن حتی دره‌های مرتفع در زیر آب قرار داشت، می‌گذشت. در عهدی که می‌توان بین ۱۰,۰۰۰ سال تا ۱۵۰۰۰ سال قبل از میلاد قرار داد، در ایران تغییر تدریجی آب و هوا صورت گرفت، عهد بارانی از بین رفت و عهدی که اصطلاحاً آن را عهد خشک می‌نامند و هنوز هم ادامه دارد، جانشین آن گردید.

در نتیجه کم شدن باران جریان آب رودها بیش از پیش منظم گردید. در این عهد انسان پیش از تاریخ که بیشتر در نجد ایران می‌زیست در غارها یا پناهگاه‌های سنگی مسکن و جایگاهی برای خود می‌ساخت. نمونه این قبیل مسکن ضمن حفاری غاری در تنگ پیده در کوه‌های بختیاری واقع در شمال شرقی شوشتر به‌دست آمده است.

در اینجا انسان برای تهیه خوراک خود به شکار می‌پرداخت و برای این منظور حيله را بیش از اعمال قدرت به کار می‌برد. وی به طرز استعمال چکش سنگی، تبردستی و تبری که به چوب‌دستی شکافدار متصل بود، آشنایی داشت. همه اینها ابزارهای بدوی است که به‌وسیله صیقل اندکی از ناهنجاری آنها کاسته می‌شد.^۲

تنها یک انقلاب اقتصادی و اجتماعی می‌توانست اجتماعات دوره پالئولیتیک را از بن‌بستی که در آن قرار گرفته بودند، آزاد کند؛ شان انسان این بود شریک طبیعت گردد نه آنکه طفیلی آن باشد. بحران اقلیمی که به‌دوران پلیس توسن پایان داد، راه را برای این انقلاب هموار ساخت. آب شدن یخ‌های شمال، با این تغییر اساسی سازگار شدند. هنگامی که مردها به شکار می‌رفتند، ظاهراً **زنان** به بهره‌برداری از گیاهان خوراکی که اجداد جو و گندم ما بودند، می‌پرداختند و سرانجام به کاشت

۱- آ. آ. گرانوسکی و دیگران، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ۱۳۸۶، صص ۲۴ و ۲۵

۲- گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ۱۳۸۸، صص ۹ و ۱۰

دانه‌های این غلات در زمین‌های مساعد توفیق یافته، علف‌های هرزه را برای حفاظت محصول از زمین بیرون کشیدند. بدین ترتیب قدم قاطع برداشته شد و توسعه محصول مانعی را که در راه افزایش جمعیت بود، از بین برد.^۱

در حدود ده هزار سال قبل از میلاد انسان غارنشین که برای شکار از ابزار سنگی استفاده می‌نمود، موفق به تهیه ادوات و ابزار استخوانی گردید و در ضمن ظروف سفالین نیز ساخته شد این ظروف چنانکه در آثار هزاره‌های بعدی مشاهده می‌شود و در زندگی آن روز اهمیتی بسزا داشت از عوامل مهم به‌شمار می‌آید که به‌وسیله زنان تهیه می‌گردید.^۲

گیرشمن، ضمن بحث در پیرامون زندگی انسان‌های ماقبل تاریخ و انسان غارنشین از نقش زنان سخن می‌گوید و می‌نویسد: «در این جامعه بدوی وظیفه مخصوصی به عهده زن گذاشته شده بود، وی گذشته از آن که نگهبان آتش و شاید اختراع کننده و سازنده ظروف سفالین بود، می‌بایست چوب‌دستی، به‌دست گرفته در کوه‌ها به جستجوی ریشه‌های خوردنی نباتات یا جمع‌آوری میوه‌های وحشی بپردازد. نخستین مساعی وی در باب کشاورزی در زمین‌های رسوبی انجام گرفت و در همان حال که مرد، اندک پیشرفتی کرده بود، زن با کشاورزی ابتدایی در دوره حجر متأخر (نئولیتیک) "Neolithique" که اقامت در غار بدان متعلق است، ابداعات بسیاری نمود. در نتیجه می‌بایست عدم تعادلی بین وظایف زن و مرد ایجاد شود؛ و شاید همین امر، اساس بعض جوامع اولیه، که زن در آنها بر مرد تفوق یافته (مادرشاهی)، بوده است. در چنین جوامعی و همچنین در جوامعی که تعدد شوهران برای زن معمول است، زن کارهای قبیله را اداره می‌کند و به مقام روحانیت می‌رسد و در عین حال زنجیر اتصال خانواده، به‌وسیله سلسله زنان صورت می‌گیرد، چه زن ناقل خون قبیله به خالص‌ترین شکل خود به شمار می‌رود.

۱- چاپلند، گوردون، سیر تاریخ، ۱۳۸۵، ص ۴۳

۲- بیانی، ملک‌زاده، زن در ایران باستان، ۱۳۵۵، ص ۱

خواهیم دید که این طرز اولویت زن یکی از امور مختص ساکنان اصلی نجد ایران بوده و بعدها در آداب آریاییان فاتح وارد شده است.^۱

نهاد خانواده

خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی سابقه‌ای به اندازه سابقه زیست بشر بر روی کره زمین دارد و به عنوان یک نهاد جهانی در جوامع مختلف وجود داشته و دارد^۲ پس ظهور انسان بر روی زمین با تشکیل خانواده هم‌زمان بوده و بی‌تردید دفاع از حریم انسان در برابر جانوران درنده، حوادث و سوانح طبیعی، زندگی جمعی را برای انسان ایجاد کرده است. در زندگی جمعی از همان آغاز، پیروی از نظم و انضباط و اطاعت از نوعی قانون غیرمدون اما علمی، برای افراد الزامی گردید که اندک اندک جنبه اخلاقی پیدا کرد.

این نظم هم در زندگی خانوادگی و هم در زندگی قبیله‌ای که نخستین جماعت پس از خانواده است تجلی یافت، گرچه نظامات اجتماعی پیشرفت کرد و حکومت‌ها و امپراتوری‌ها را به وجود آورد، اما هیچگاه خانواده به‌گونه یک هسته بنیادین جامعه از بین نرفت. مادر خانواده دارای نقش عمده‌ای بود و چون خدمت اعضای خانواده و تربیت کودکان را بر عهده داشت، گویی نظم خانواده و موجودیت آن بر ابتکار و قدرت مادر استوار بود و پدر در مرتبه‌ای نازل‌تر، قرار می‌گرفت^۳ و به‌نظر ویل دورانت در ابتدای امر، چون مادر عهده‌دار وظیفه توجه و خدمت به کودکان خود بوده است، نظم خانواده براساس مادر تکیه می‌کرد و پدر منزلت عرضی و ناچیز داشت.^۴

«مرگان» دانشمند آمریکایی می‌گوید: در نتیجه تحقیقات و مطالعات به این نتیجه می‌رسیم که خانواده در طول عمر بشر شکل‌های مختلفی به خود گرفته که با

۱- گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ۱۳۸۸، صص ۱۰ و ۱۱

۲- شیخی، محمدتقی، جامعه‌شناسی زنان و خانواده، ۱۳۸۰: ص ۶۹

۳- تکمیل همایون، ناصر، حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران، ۱۳۶۹، ص ۲۱

۴- ویل دورانت، تاریخ تمدن، جلد اول، ۱۳۶۵، ص ۳۹